

## منزلت زن از منظر قرآن

دکتر علیرضا صابریان\*

### چکیده

از دیدگاه قرآن، زن و مرد هویت یکسان داشته و از موهبت‌های الهی به یک میزان برخوردارند. این دو مایه ی عفت و آرامش یکدیگرند. اما تفاوت‌های انکار ناپذیری نیز بین این دو وجود دارد. اگر به نظام حقوقی اسلام به صورت مجموعه توجه شود، روشن می‌شود که اختلافات حقوقی بین زن و مرد در اسلام دقیقاً بر واقعیت و حکمت استوار است و هر یک به میزان برخورداری از حقوق، به وظایفی نیز مکلف گشته اند.

**کلید واژگان:** منزلت زن، حقوق زن، ارث زن.

### مقدمه

تفاوت‌های زن و مرد در وظایف و حقوقی که دارند همواره مورد بحث بوده است. ثمره ی مباحث در دو دیدگاه متقابل ارایه شده است. در یک دیدگاه، زن از سطح انسانیت تنزل می‌کند و صورت ابزار و وسیله به خود می‌گیرد. از سوی دیگر،

---

\*. استادیار، دانشکده ی شهید محلاتی

دیدگاهی نیز هیچ تفاوتی بین زن با مرد قایل نمی‌شود و معتقد است زن در همه ی زمینه‌ها همتای مرد است. این همان فمینیسم است. این نوشتار بر آن است تا با توجه به کاستی‌های دو دیدگاه یاد شده به تحقیق و تبیین دیدگاه قرآن در این باره پردازد.

### نگرش به زن در گذر تاریخ

در میان اقوام و دانشمندان گذشته نظر بسیار بدبینانه‌ای نسبت به زن وجود داشته است. افلاطون، با جرئت و تهور فراوان، از ورود زن به هر کاری و از برابری زن و مرد در همه ی موقعیت‌ها پشتیبانی می‌کرد. اما ارسطو، که با تعصبات روزگار خود بیشتر سازگار بود، زن را ناقص می‌دانست و به عقیده ی او طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند. زنان و بندگان، از روی طبیعت، محکوم به اسارتند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. (دورانت/۱۴)

آگوستین قدیس قائل بود: *زن حیوانی است که نه استوار است و نه ثابت قدم، بلکه کینه توز است و زیان کار و منبع همه مجادلات و نزاع‌ها و بی عدالتی‌ها و حق کشی‌ها.* (ستاری، ۶۱)

بعضی از پیروان فروید معتقدند:

*زن خدمت‌قابلی به فرهنگ بشر نکرده و در هیچ فنی موقعیتی به دست نیاورده است جز در شستن و بافتن و آرایش کردن که فنون جنبی است و مجاهده‌ای برای پوشانیدن دستگاههای جنسی و جلب مرد.* (تیلا/۱۴)

در تورات کنونی آمده است که وجود زن، طفیلی وجود مرد است و از دنده ی

چپ مرد آفریده شده است (سفر پیدایش ۲/۲)

در مقابل نظریه‌های افراطی، نظر بسیار خوشبینانه‌ای نیز نسبت به زن وجود دارد. گاندی می‌گوید:

هیچ یک از شرارت‌هایی که مرد مسئول آن است، چنان پست و مفتضح و خشن نبوده که توهین به نیمه‌ی برتر انسانیت. جنس زن را ضعیف‌تر نمی‌دانم، چون اصیل‌تر از مرد است. حتی امروز هم زن تجسم ایشار، رنج کشیدن خاموش، فروتنی، ایمان و معرفت است. شهود زن اغلب صادق‌تر است تا تصور خود بینانه‌ای که مرد از دانش برتر خود دارد». (خجسته/ ۴۳)

زن در نزد مصریان مقام والایی داشت تا جایی که تسلط زن و مادر شاهی بر تسلط مرد یا پدر شاهی غلبه داشته است. (تیلا/ ۲۹)

## دیدگاه قرآن

اسلام تنها دینی است که شخصیت و حقوق زن را در ابعاد گوناگون و با توجه به توانمندی‌ها و وظایفی که دارد منظور کرده است. گوستا ولوبون می‌گوید که اسلام اولین مذهبی است که در اصلاح حال زنان و ترقی و تعالی آنان قدم‌های خیلی وسیعی برداشته است. زیرا این مطلب مسلم است که در میان تمام مذاهب و اقوامی که قبل از اسلام آمده اند وضع و حالت زیاده از حد ضایع و خراب بوده است. (۵۱۷).

اینک لازم است موضع اسلام را در این باره از متن قرآن جو یا شویم. از دیدگاه قرآن سرشت زن و مرد یکسان بوده و این دو دارای هویتی یکسانند. قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... (نساء/ ۱) ای مردم از پروردگارتان پروا

کنید، آن که شما را از یک نفس آفرید و از آن نفس واحد، همسر او را و از آن دو مردان و زنان بسیار پدید آورد.

در آیه ی دیگر آمده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف/۱۸۹) اوست که همه ی شما را از یک تن آفرید و از آن یک تن، زنش را آفرید تا به او آرامش یابد.

از منظر قرآن، خلقت زن مایه ی آرامش مرد است.

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم/۲۱) و از نشانه های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید، تا به ایشان آرامش یابید.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می گوید:

معنای آیه این است که برای سود رساندن به شما از جنس خودتان همانند آفرید، چرا که هر یک از زن و مرد دارای جهاز تولید مثل است که با همراهی جنس دیگر کارش به ثمر می رسد و با کار هر دو، مسئله تولید و تکثیر مثل به انجام می رسد، بر این اساس، هر یک به تنهایی نقص دارد و به قرین خود نیازمند است و از مجموع این دو، یک واحد تام حاصل می شود. به جهت همین نیاز و نقص هر کدام به سمت دیگری حرکت می کند و زمانی که وصلت حاصل گشت، آرام می گیرد. زیرا هر ناقصی به کمال خود شائق است و هر نیازمندی به چیزی که رفع نیازش کند، میل دارد. این همان میل جنسی است که در این دو قرین نهاده شده است. (المیزان/۱۶/۱۷۳-۱۷۴)

## برخورداری از مواهب یکسان

قرآن کریم بعضی از موهبت‌های الهی را به انسان، صرف نظر از جنسیت، نسبت داده است، از جمله: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ. (تین/ ۴) ما انسان را در بهترین ساختار خلق کردیم.

در آیه ی دیگری میفرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم/ ۳) پس تو ای رسول، مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد. این است آیین استوار حق و لیکن اکثر مردم از حقیقت آن آگاه نیستند.

امکاناتی را که خداوند خلق کرده است، برای انسان است و طبق جنسیت تقسیم صورت نگرفته است:

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ. (بقره/ ۲۲) آن خدایی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را برافراشت و فرو بارید از آسمان آبی که به سبب آن بیرون آورد میوه‌های گوناگون برای روزی شما.

آیاتی که هدف آفرینش را بیان می‌کند عمومیت دارد، از جمله:

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ. (ملک/ ۲) خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید

تا کدام نیکوکارتر است و او مقتدر و آمرزنده است.

همچنین:

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً.

(نحل/۹۷) هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدای آرد، ما

او را در زندگانی خوش و با سعادت زنده می گردانیم.

در صورت تساوی عمل زن و مرد، پاداش این دو یکسان خواهد بود:

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ. (آل

عمران/۱۹۵) پس خدا دعاهای ایشانرا اجابت کرد که البته من که

پروردگارم عمل هیچکس از مرد و زن را بی مزد نگذارم.

خداوند اهل علم و دانش را ستوده و فرقی بین زن و مرد قایل نشده است:

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (مجادله/۱۱) خدا

مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را رفیع می گرداند.

یکی از مهمترین اهداف انبیاء، تزکیه و تعلیم انسانها است و در این خصوص

فرقی بین زن و مرد نیست:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ. (بقره/۱۵۱) چنانکه رسول

گرامی خود را فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما

را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم

شریعت و حکمت دهد و از او بیاموزید هر چه را نمی دانید.

در تعدادی از روایات علاوه بر تعابیر عام نسبت به زنان تصریح صورت گرفته

است ، از جمله: قال النبي (ع):

طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة. (بحار الانوار، ج ۱/ ۱۷۷)

فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

از منظر فقیهان امامیه فراگیری احکام شرعی مورد ابتلا بر هر زن و مردی واجب

است:

يحب علي كل مكلف في عباداته و معاملاتہ ان يكون مجتهداً او مقلداً

او محتاطاً. (العروة الوثقى ۱/ ۱۲) واجب است بر هر مکلفی در عبادت‌ها و

معامله‌ها یا مجتهد باشد و یا مقلد و یا به احتیاط عمل نماید.

زنان بسیاری از اصحاب و یاران پیامبر ۹ و ائمه، اهل فضل و دانش بودند. مجلس

تفسیر زینب ۳ در کوفه هنگام حکومت حضرت علی ۷، نمونه بارزی از این امر است.

(اعلام النساء المؤمنات / ۱۷۳) همچنین برخی از زنهاى منسوب به فقها و عالمان،

صاحب اجازه نقل حدیث و اجتهاد بوده‌اند مانند ام علی، همسر شهید اول و آمنه

بیگم دختر مجلسی اول. و در تاریخ معاصر، شهیده بنت الهدی صدر و بانو مجتهد

اصفهانى از مصادیق بارز زنان اهل فضل و دانش بوده‌اند. (پیام زن / ۲۲/ ۲۶)

از دید قرآن، در کسب مدارج معنوی و تحصیل تقوا، فرقی بین زن و مرد نیست.

يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا خَلَقْتُكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ قَبَائِلَ

لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ. (حجرات / ۱۳) ای مردم! ما همه ی شما

را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم

تا یکدیگر را بشناسند. بزرگوارترین شما نزد خدا با تقوی‌ترین مردمند.

یکی از ارزشمندترین مفاهیم و اعمال دینی جهاد در راه خداست تا جایی که

جهاد برای حفظ کیان اسلام بر زن و مرد واجب است. (کشف الغطاء / ۳۸۱)

زن و مرد از فضیلت جهاد بهره می‌برند:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا. (نساء/ ۹۵) هرگز مومنانی که بی هیچ عذری مانند نابینایی، مرض فقر و غیره از کار جهاد باز نشینند با آنانکه به مال و جان کوشش می‌کنند، یکسان نخواهد بود. خدا مجاهدان فداکار با مال و جان را بر بازنشستگان، بلندی مقام و برتری بخشیده و همه ی اهل ایمان را وعده ی نیکو فرموده و مجاهدان را بر بازنشستگان با اجر و ثوابی بزرگ برتری داده. آیه ی زیر بیان کننده ی ارزشهایی است که زن و مرد در آن شراکت دارند و در

این آیه از مردان و زنان به نیکی یاد شده است:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. (احزاب/ ۳۵) همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خداترس خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان با حفاظ خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، برای همه آنها خدا مغفرت و پاداش بزرگ مهیا ساخته است.



## منزلت زن از منظر قرآن/ ۱۰۱

---

خلقت زن و مرد هر کدام برای تکمیل دیگری است:

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ. (بقره/۱۸) آنان (زنان) جامه ی ستر و عفاف شما و شما (مردان) نیز لباس عفت آنها هستید.

در تفسیر المیزان آمده است:

ظاهر از لباس همان معنای معروف آن است. لباس آن چیزی است که انسان به آن بدنش را می پوشاند و دو جمله از قبیل استعاره است. زیرا هر یک از زوجین دیگری را از دنبال گناه رفتن و شایع ساختن آن، باز می دارد. پس هر کدام برای دیگری به منزله لباسی است که با آن پلیدی خود را پنهان و عورت خود را می پوشانند. (المیزان/۱/۴۴)

قرآن حتی جنس زن و مرد را نیز یکسان می داند:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ. (نحل/۷۲) خدا برای شما از میان خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان فرزندان و فرزند زادگان پدید آورد، و از چیزهای پاک روزیتان داد.

در آیه ی دیگر از قرآن آمده است:

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا. (شوری/۱۱)

آفریدگار آسمانها و زمین است. برای شما، هم از شما، همسرانی بیافرید.

بعضی مفسرین از این آیه یکسانی و مماثلت جنس زن و مرد را نتیجه گرفته اند.

(حسینی/۲/۱۰۰-۹۸) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، نیز این قول را ترجیح داده

است. (المیزان/۴/۱۳۶)

ممکن است گفته شود در آیات مذکور، هدف از آفرینش زن آرامش و سکون

مرد تلقی شده است به گونه ای که گویا اصل در حیات، مرد است و زن طفیل وجود او است. اما باید گفت با توجه به ظاهر آیات هر یک از این دو جنس به یکدیگر نیاز دارند و آرامش طرفینی است همانگونه که مودت و رحمت برای هر دو طرف است. در استعمالات قرآنی، واژه ی زوج به معنای همسر بر هر یک از زن و مرد اطلاق می گردد و اصولاً کلمه ی زوجه در قرآن به کار نرفته و از نظر لغت شناسان استعمال واژه ی زوجه برای زن، غیر فصیح است. (راغب / ۳۸۴)

آیات ذکر شده نشان داد که زنان هم چون مردان از شخصیتی کامل و مستقل برخوردارند و در هویت انسانی میان صنف زن و مرد تفاوتی نیست. ویژگی های انسانی را هر دو به نحو برابر دارا هستند. همانگونه که در قابلیت رشد و تکامل، لغزش و انحراف، آسیب پذیری و آسیب رسانی یکسانند.

به عبارت دیگر، خدای متعال انسان را آفرید، اما برای بقای نسل و تبار وی او را به دو صنف زن و مرد تقسیم کرد. در آنچه لازمه ی نوع انسانی است هر دو برابرند و در برخی خصیلتها و خصوصیتها که لازمه ی صنف است از یکدیگر متفاوت اند. این تفاوت ها چنان نیست که به انسانیت آنها آسیب برسانند. (مهریزی / ۷۸)

حقیقت انسان نه مذکر است نه مونث. قرآن کریم می گوید: این دو را از چهره ی ذکورت و انوئت شناسید. بلکه از چهره ی انسانیت بشناسید. در حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد، نه بدن او، انسانیت انسان را جان او تعیین می کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان. (جوادی آملی / ۷۶)

علامه طباطبایی نیز با استدلال فلسفی به وحدت نوعی زن و مرد قایل است. (المیزان / ۴ / ۱۵۲-۱۵۳) بنابراین می توان گفت که هر کمال نوعی را که یک صنف می تواند آنرا به دست آورد، صنف دیگر نیز قدرت به دست آوردن آنرا دارد. و از

آن جمله کمالی است که به وسیله ی ایمان به خدا و اطاعت فرمان او حاصل می‌شود. بهترین و جامعترین تعبیر حاکی از این معنا آیه شریفه ای است که می‌فرماید: *أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ*. (آل عمران/ ۱۹۵)

### شخصیت زن از دیدگاه اندیشمندان معاصر

امام خمینی (ره) در خصوص شخصیت زن قایل است:

تمام هویت های کمالی که در انسان مطرح است در زن مطرح است.

(سیمای زن... / ۲۰۷)

علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید:

واقعیت خارجی و تجربه نشان می‌دهد که زن و مرد دو فرد از یک

جوهر واحد به نام انسان می‌باشند. «(المیزان/ ۴/ ۹۴-۹۵)

ایشان در جای دیگر می‌گویند:

قرآن بیان کرده که هویت زن مانند مرد است هر انسان چه زن و چه

مرد، انسان است و در ماده انسانیت مشترک است. (همان/ ۲/ ۲۶۹)

علامه مطهری شخصیت زن را از منظر قرآن این گونه ترسیم می‌کند:

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس

مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم. قرآن درباره آدم اول

می‌گوید: همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود

او قرار دادیم... قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدسی از یک زن بزرگ و

قدسیه یاد می‌کند. از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در

نهایت تجلیل یاد کرده است. اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنانی ناشایسته برای شوهران ذکر می کند از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده. گویی قرآن خواسته است در داستانهای خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستانها را منحصر به مردان ننماید. (۴۷۱-۱۵۰)

آیه الله جوادی آملی زن و مرد را از یک گوهر دانسته و میگوید:

آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و همه زنان و مردان مبدا قابلی واحد داشته، چه این که مبدا فاعلی همه آنها خدای یگانه و یکتاست و هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نیست و اگر برخی از روایات عهده دار اثبات این مزیت اند یا از لحاظ سند نارسا و یا از جهت دلالت ناتمام اند و اگر فرضاً از هر دو جهت تمام باشند، چون مسئله مورد بحث یک امر تعبدی محض نیست، نظیر مسائل فقهی صرف، نمی توان آن را به یک دلیل ظنی غیر قطعی ثابت کرد، مگر در حد مظنه و گمان که سودمند به حال مسائل علمی نخواهد بود. (۱۳۷-۱۳۸)

## حقوق زن و مرد

تفاوتهای فیزیولوژیک زن و مرد با یکدیگر لازمه ی حیات انسانی و بقای آن است. بدیهی است این تفاوت ها زمینه ساز تفاوت در وظایف و تکالیف و این یک نیز سبب تفاوت در حقوق می گردد. بر این اساس، تفاوت های حیاتی این دو را به اختصار از نظر می گذرانیم. به طور کلی می توان این تفاوت ها را به دو دسته ی جسمانی و روانی تقسیم کرد.

### ۱. تفاوت های جسمانی:

این تفاوت ها اختلافات ظاهری ساختمان بدن و مهمتر از آن تفاوت وضعیت جنسی این دو را شامل میشود. نطفه زن (اوول) و نطفه مرد (اسپرماتوزوئید) هر یک دارای ۲۳ کروموزوم است که موقعیت و شکل آنها در هر جنس با دیگری تفاوت دارد. زنان عوارض زنانگی اعم از قاعدگی و آبستنی و زایمان دارند ولی مردان این گونه نیستند. مردان بلند قدتر و سنگین وزن تر از زنان اند. وزن متوسط قلب مرد ۳۰۰ گرم و وزن متوسط قلب زن ۲۵۰ گرم و وزن متوسط مغز مرد ۱۳۰۰ گرم و وزن متوسط مغز زن ۱۲۰۰ گرم می باشد. (تیلا/۱۳۷-۱۳۸)

### ۲. تفاوت های روانی:

میل مرد به ورزش و شکار و کارهای پر حرکت و جنبش، بیش از زن است. زن زودتر و سریع تر از مرد تحت تاثیر احساسات خویش قرار می گیرد. زن به زینت و زیور و جمال و آرایش علاقه ی زیاد دارد. احساسات زن بی ثبات تر از مرد است. زن از مرد محتاطتر، پر حرف تر، ترسو تر و تشریفاتی تر است. (مطهری/۲۰۵-۲۰۶)

### تفاوت در قانون ارث

تفاوت های یاد شده همانگونه که گذشت سبب پاره ای تفاوت های حقوقی بین زن و مرد گردید. یکی از این تفاوتها در *قانون ارث* است. از دیرباز این سوال مطرح بوده است که چرا از منظر اسلام سهم الارث زن و مرد با هم مساوی نیست؟ چرا حقوق این دو با هم مساوی نیست؟ امام صادق سبب این مطلب اینگونه بیان کرده است:

*اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و به علاوه مهر نفقه را به نفع او بر*

مرد لازم شمرده است و در بعضی از جنایات اشتباهی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند، زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است. از این رو سهم زن در ارث از مرد کمتر است. (مطهری / ص ۲۵۱)  
استاد مطهری در این باره می گوید:

علت اینکه اسلام سهم الارث زن را نصف مرد قرار داد (نساء / ۱۱) وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر و نفقه و سربازی و برخی قوانین جزایی دارد چون اسلام مهر و نفقه را لازم میدانند و به این سبب قهراً از بودجه زندگی زن کاسته شده است و تحمیلی از این نظر بر مرد شده است. اسلام می خواهد این تحمیل از طریق ارث جبران شود، از این رو برای مرد دو برابر زن سهم الارث قرار داده است. (همان / ۲۵۱)

در خصوص نفقه ی زن با استناد به متون فقهی در قانون مدنی آمده است:  
نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء. (قانون مدنی، ماده ۱۱۰۷)

نفقه زن بر نفقه سایر افراد واجب النفقه، مقدم است، مانند اولاد، پدر، مادر و غیره. (امام خمینی / ۲ / ۲۸۵)

اگر زوج با حالت یسر و قدرت بر پرداخت نفقه، از ادای آن خودداری کند، زوجه می تواند بدون مراجعه به دادگاه از اموال او تقاصاً برداشت نماید. (طاهری / ۳ / ۲۰۲)

در صورت گذشت مدتی و عدم پرداخت نفقه، نفقه ایام گذشته به

صورت دین بر ذمه زوج قرار خواهد گرفت. (خویی/۲/۳۱۳)

پس اگر از طرفی مرد حق بهره مندی از ارث را به میزان دو برابر سهم زن دارد از طرف دیگر تکلیف بر عهده ی اوست که نفقه ی زن را تأمین کند. حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و متضایف هستند بنابراین در مقابل هر حقی، تکلیفی موجود است. مانند دو کفه ترازو که توازن آنها در عالم عدالت باید رعایت گردد. (امامی/۴/۱۱)

در مواردی نیز زن و مرد به گونه ای برابر ارث می برند مانند:

۱- پدر و مادر هر کدام ۱۶ ارث می برند.

۲- خواهر و برادر مادری و فرزندان آنان یکسان ارث می برند.

۳- جد و جده مادری یکسان ارث می برند.

۴- دایی و خاله یکسان ارث می برند و موارد مشابه دیگر.

از این رو، تفاوت ارث زن و مرد ناشی از انوشت و ذکورت نیست و گرنه باید همه جا مردان دو برابر زنان ارث برند، بلکه مسئله ی «عُنْم» و «عُرم» است. یعنی هر

کسی بیشتر خسارت می بیند، بیشتر بهره می برد. (مهریزی/۴۶۵-۴۶۷)

بسیاری از سوالات و اعتراضات نسبت به حقوق زن در اسلام، ناشی از جزء نگری قوانین اسلام است. اگر نظام حقوقی زن، در نظام جامع حقوقی اسلام لحاظ شود این گونه شبه ها پیش نمی آید.

در نظام حقوق اسلام اختلافات حقوقی بین زن و مرد دقیقاً بر واقعیت و حکمت استوار است. بدیهی است هم وضع قوانین مختلف در شرایط یکسان و هم وضع قوانین واحد در شرایط و موقعیت های متفاوت، ستمگرانه است و اسلام هیچ یک از این دو را نمی پذیرد. به همین دلیل، آنجا که حقوق زن و مرد به وجه مشترک آنها باز

می‌گردد، حقوق این دو، برابر و یکسان است و جایی که به جهات اختلاف آنها مربوط می‌شود، حقوق و تکالیف نیز تفاوت پیدا می‌کند. هر گاه کسی از حقی محروم باشد، از تکالیف ملازم با آن نیز معاف خواهد شد. چنانکه متقابلاً هر کس از داشتن تکالیفی معاف باشد از حقوق ملازم با آن تکالیف نیز بی بهره خواهد بود.

### نتیجه گیری

آن گونه که برخی پنداشته‌اند نگاه اسلام به زن تحقیرآمیز نیست. قرآن پیرامون منزلت زن موضع حکیمانه‌ای دارد. نه او را از مقام انسانی تنزل داده و نه تفاوت‌های بیولوژیک و حکمت آفرینش او را نادیده گرفته است. از منظر قرآن زن به لحاظ انسانیت هیچ تفاوتی با مرد ندارد. اما آفرینش او با توجه به وظایفی که بر عهده می‌گیرد اندکی با مرد متفاوت است. اگر قرآن ارث زن را نصف مرد دانسته در مقابل آن، حقوق دیگری برای او منظور نموده است و در مواردی هم ارث زن و مرد هر دو برابر دانسته شده است. بنابراین، تفاوت سهم ارث زن و مرد از منزلت زن نمی‌کاهد همان گونه که تکلیف پرداخت نفقه و مهر و امثال آن بر مرد به منزلت مرد آسیب نمی‌رساند.

### کتابشناسی

- آیه الله العظمی خوئی، منهاج الصالحین.
- امام خمینی، تحریر الوسیله، چاپ انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
- امام خمینی، سیمای زن در کلام امام خمینی، وزارت فرهنگ و



ارشاد اسلامی، تهران.

- امامی، حسن، قانون مدنی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.

- تورات، سفر پیدایش، باب ۲، آیه ۲ و باب ۱۹، آیه ۱۹.

- تیلا، عباس، زن در آئینه تاریخ، مولف، تهران، ۱۳۷۰.

- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر

فرهنگی رجا، تهران، ۱۳۶۹ ق.

- حسینی تهرانی، محمد حسین، نور ملکوت قرآن، انتشارات علامه

طباطبایی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲.

- دورانت، ویل، لذات فلسفه، سازمان و انتشارات آموزش انقلاب

اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، شرکة مکتبه

و مطبعة الیالی الحلبی.

- ستاری، جلال، سیمای زن در فرهنگ ایران، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳.

- سعید زاده، زنان، تحصیلات و برداشتهای دینی، مجله پیام زن، ش

۲۲.

- صدر، حسن، حقوق زن در اسلام و اروپا، چ هفتم، انتشارات

جاویدان، ۱۳۵۷.

- طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۹ ق، ج ۱۶.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر، کشف الغطاء عن مبهات شریعة الغراء، انتشارات مهدوی، اصفهان، کتاب الجهاد.
- کیا خجسته، مهاتما گاندی در جستجوی حقیقت، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، بنگاه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۴.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷۷.
- محمد الحصون، و ام علی مشکور، اعلام النساء المومنات، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۱ ق.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، قم.
- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.

- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت عليهم السلام  
لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷.
- وینست، آندرو، ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی، ترجمه مرتضی ثاقب  
فر، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۸.